

کتابهای آموزش و پرورش بعد از انقلاب

جامعه ما نزدیک به ۱۰ میلیون کودک و نوجوان در اختیار آموزش و پرورش هستند و خود این رقم، وسعت این نهاد را در ایران نشان می‌دهد. یکی از مهمترین عناصر آموزش و پرورش، کتاب درسی است. بسیاری از قضاوتهای ما و ارزش گذاریهای ما در حال حاضر، چه بدانیم و چه ندانیم، ناشی از همان مطالبی است که در کودکی و نوجوانی در کتابهای درسی خوانده ایم. یکی از مهمترین وظایف مادر انقلاب منطبق کردن محتوای کتابهای درسی با اسلام و انقلاب اسلامی است. در اهمیت کتابهای درسی برای آموزش و پرورش ذکر يك تشبیه کافی است: کتاب درسی برای آموزش و پرورش به منزله سلاح و مهمات است برای ارتش. با توجه به این معنا وظیفه ما این است که سعی کنیم این نیاز انقلاب را هم برطرف کند. امیدواریم که انقلاب ما بتواند از این فرصت و نعمتی که به برکت خون شهیدان و به برکت ایمان مردم پدید آمده بهترین استفاده را بکند و نسل ما بتواند این امانت را حفظ کند و با قدرشناسی آن را به نسل آینده تحویل دهد.

- ما این سؤال را نمی‌کنیم که آیا تغییراتی به کتابهای درسی دبستانها و دبیرستانها بعد از انقلاب داده شده است یا نه؛ چون به هر حال هرکسی که حتی اجمالاً نگاهی به کتابهای درسی بکند متوجه می‌شود که کتابها کم و بیش فرق کرده است. سؤالی که می‌کنیم این است که این

آقای غلامعلی حداد عادل، عضو شورای عالی مرکز نشر دانشگاهی، مشاور وزیر آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی و پژوهش و یکی از نویسندگان کتابهای درسی دبستانی و دبیرستانی است. نشر دانش به دلیل اهمیت فوق العاده‌ای که مسأله کتابهای درسی دارد و با توجه به تغییرات چشمگیری که در سال گذشته در این کتابها پدید آمده است، از آقای حداد عادل دعوت کرد تا در مصاحبه‌ای شرکت جسته و به سؤالات ما پاسخ دهد.

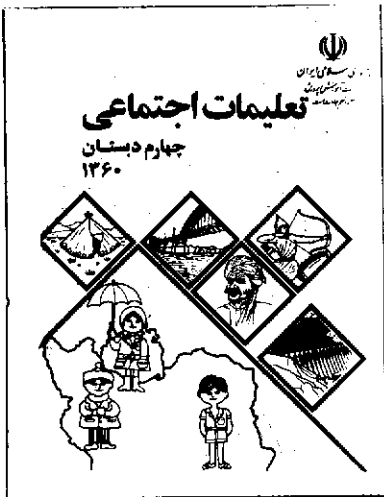
ن.د.

می‌کنم.

در هر جامعه‌ای اندیشه نسل آینده در کلاسهای درس و توسط آموزش و پرورش ساخته می‌شود و آینده هر جامعه‌ای در گرو آموزش و پرورش آن جامعه است. بسیاری از مشکلاتی که ما در حال حاضر در سطح جامعه خودمان داریم مشکلاتی است که دیروز و پریروز در کلاسهای درس به وجود آمده و یا در رفع آنها اقدام نشده و امروز در اخلاق و اندیشه ما جلوه گر شده است. پس تأثیر آموزش و پرورش و مخصوصاً محتوا و برنامه‌های کتابهای درسی در آینده انقلاب و ساختن نسل آینده بسیار زیاد است، تا آنجا که در حقیقت، کار آموزش و پرورش، ساختن مردم ایران فرداست. در

- آقای حداد قبل از اینکه سؤالیهای اصلی خود را راجع به مسئله کتابهای درسی دبستانها و دبیرستانها و احتمالاً تغییراتی که در آنها داده شده است بکنیم، از شما خواهش می‌کنیم که مقدمه‌ای بفرمایید راجع به اینکه اصولاً نظر شما راجع به کتابهای درسی چیست.

- بسم الله الرحمن الرحيم، ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذين سبقونا بالإيمان و لاتجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم، با سلام بر امام امت و درود بر همه شهیدان انقلاب اسلامی که با نثار خون خود راه را برای ایجاد تحولات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی در ایران باز کردند سخن خود را آغاز



- پاسخ سوال شما در يك كلمه، مثبت است. بله قلمی جدی و عمیق برداشته شده، منتهی قدم برداشته شده، ولی راه پایان نرسیده. طاغوت زدایی تنها هدف ما نیست. ما اگر از كلمه «لا اله الا الله الهام بگیریم، نفی طاغوت «لا اله» اعتقاد ماست. اما این کافی نیست. ما باید سراغ الا الله برویم؛ به قول مولانا:

لا اله اندر پی الا الله است
همچو لا ما سوی الا میرویم

در آن جهت باید سیر بکنیم. هدف اصلی ما اسلامی کردن کتابهای درسی است. البته اینجا باید توضیحی داد: این اسلامی کردن در علوم طبیعی، به يك نحو در علوم انسانی به نحوی دیگر است. مثلاً در علوم طبیعی اسلامی کردن به این معناست که دانش آموز بداند که علم با اعتقاد به خدا رقیب نیست و بر خلاف آن تصور غلطی که برای یکی دؤنسل قبل از ما بود که تصور می کردند انسان باید یا موحد باشد یا به علوم طبیعی توجه کند، یکی از اندیشه هایی که ما باید در فرهنگ خودمان بخوبی توضیح دهیم و تفهیم کنیم این است که همه طبیعت و آثار و خاصیت های طبیعت آیات الهی است و - صنع الهی است.

- بله. صنع و سنت الهی است و کشف قوانین علمی با اعتقاد بخداوند نه تنها منافات ندارد، بلکه گامی است در جهت شناخت آثار قدرت و حکمت پروردگار و نهایتاً شناخت پروردگار.

- برهان اتی.

- بله. ما مثالی می زنیم گاهی در کتابهای درسی، که من مایلم اینجا این مثال را به اختصار عرض کنم، و آن این است که ما جهان را مثل تصویر می دانیم نسبت به صاحب تصویر، که همان طور که هر

صد کتابهایی که باید تغییر می کرده لاقبل یکبار تغییر کرده است.

- ما جمعاً در آموزش و پرورش چند کتاب درسی داریم؟

- نزدیک به ششصد عنوان کتاب داریم و در حال حاضر کل تیراژ این کتابها به رقمی نزدیک به هشتاد میلیون بالغ می شود.

- مثلاً چندتا از این کتابها تغییر کرده اند. آیا می توانیم معلوم کنیم؟

- البته تعدادی از کتابها هست که تغییر آنها لزومی یا اولویتی ندارد و آن کتابها تغییری پیدا نکرده اما بعضی از کتابها دوبار تغییر کرده، یعنی بعد از انقلاب یکبار يك تغییر ابتدایی کرده اما بعداً لازم دیده شده که همان کتاب منسوخ و کتاب تازه تری به جایش نوشته شود. اجمالاً در پاسخ شما باید بگویم که بعد از انقلاب بیش از ۱۰۰ کتاب جدید در آموزش و پرورش تألیف شده.

- غیر از مسئله طاغوت زدایی از کتابهای درسی (چون اولین تغییری که به هر حال به ذهن هر کسی می رسد در مورد کتابهای درسی مسئله طاغوت زدایی از کتابها است) آیا می توان گفت در اسلامی کردن آنها نیز قلمی برداشته شده - در واقع قلمی جلی و عمیق؟

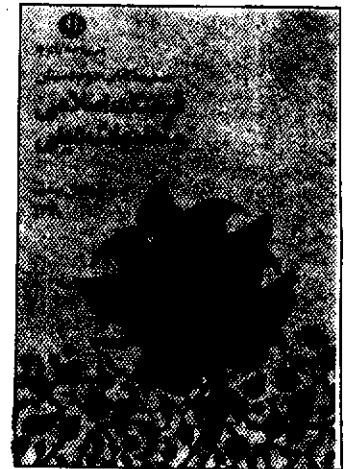
تغییرات دقیقاً از چه زمانی در کتابهای درسی بعد از انقلاب آغاز شد.

- در حقیقت باید بگویم که تغییرات در کتابهای درسی عملاً همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی آغاز شد. همان روزهایی که دانش آموزان ما کلاسهای درس طاغوت را تعطیل کردند و به خیابانها ریختند و به دانشگاه آمدند، ما می دیدیم که بعنوان آغاز تغییرات، عکسهای شاه را از اول کتاب می کشند و آتش می زنند یا اینکه برایش گوش و چشم و ابرو و این قبیل چیزها درست می کردند و کاریکاتور می ساختند و به دیوارها نصب می کردند، تغییرات از آن زمان آغاز شد. در سال ۵۷ که سال پیروزی انقلاب بود، چون پیروزی وسط سال اتفاق افتاد و کتابها در دست بچه ها بود تغییرات بیشتر بصورت حذفی بود و بخشنامه شد که يك قسمتهایی را نخوانند. در سال ۵۸ هم بعضی از کتابها اصلاً همزمان با پیروزی انقلاب برای سال بعد چاپ شده بود، و فرصت کمی بود، گرفتاریهای اول انقلاب هم زیاد بود، باز تغییراتی صورت گرفت ولی طبعاً کافی نبود. این جریان تحول و تغییر در کتابهای درسی سال به سال تقویت شد و هدایت شد و شکل گرفت. در حقیقت جریان تغییر کتابهای درسی پس از انقلاب مانند جریان شکل گرفتن سایر نهادها در جامعه ما بوده، مثل جهاد سازندگی، مثل سپاه پاسداران، مثل هر نهاد دیگری که در آغاز شتابزده، سریع، سطحی ولی با نیت اسلامی شروع شده و هرچه زمان گذشته عمق بیشتر و نظم بیشتری پیدا کرده، دست اندرکاران تجربه بیشتری پیدا کرده اند و تحول ریشه دارتر و اساسی تر شده است. این جریان تحول تا حدودی پیوسته بوده و الان که ما در سال ۶۰ هستیم می توانیم بگویم که شاید ۹۰ در

يك كتاب به دست مرحوم باهنر افتاده بود که دور مطالب اسلامی اجتماعی و انقلابی را خط کشیده بودند که اینها باید حذف شود. به هر حال اقدام‌های مرحومان بهیستی و باهنر بسیار مؤثر و مفید بود.

- اصلاً بطور کلی در رژیم گذشته سعی در اسلام‌زدایی از کتابهای درسی دبستانی و دبیرستانی بطور منظم و حساب شده انجام گرفته بود یا نه؟ البته فقط منظور کتابهای تعلیمات دینی نیست. این مطالبی که شما فرمودید در مورد کتابهای تعلیمات دینی بود، با توجه به اینکه در حدود ۶۰۰ عنوان کتاب درسی وجود دارد آیا در مورد سایر کتابها هم رژیم گذشته سعی کرده بود که بطور منظم و حساب شده از این کتابها اسلام‌زدایی کند؟

- بله. حتماً. من قبل از اینکه به این سؤال جواب بدهم، دنباله سؤال قبل را تکمیل می‌کنم بعد به این سؤال می‌رسم. به این صورت که ... بعد از انقلاب تقریباً تمام کتابهای تعلیمات دینی را عوض کردیم و ساعت‌های تدریس تعلیمات دینی هم در کلاسها بیشتر شد و اسم تعلیمات دینی را هم به فرهنگ اسلامی و بینش اسلامی و بینش دینی تغییر دادیم و این نام، که در گذشته به دلایل گوناگون برای بچه‌ها خوشایند نبود، تعویض شد. علاوه بر درس تعلیمات دینی درس قرآن اضافه کردیم و درس عربی جدی گرفته شده و همانطوری که می‌دانید مطابق قانون اساسی، ما باید از ابتدای دوره راهنمایی تا پایان دوره دبیرستان در تمام مقاطع آموزشی و در تمام کلاسها به دانش‌آموزان عربی تدریس کنیم که برای تحقق این اصل قانون اساسی اقدام شده است. کتابهای تعلیمات دینی با دید و بیان تازه‌ای نوشته شده. دانش‌آموزان ما الان در متن جامعه با بسیاری از



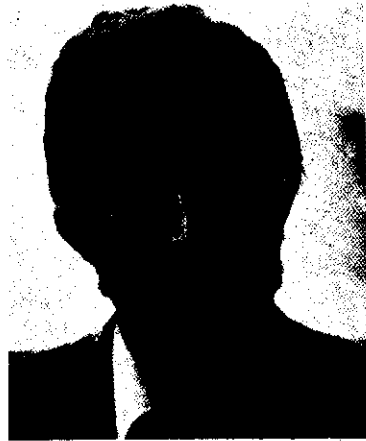
و این کتابها در واقع راه را باز کرده بود برای آشنایی نسل جوان با اسلام. و حقاً جا دارد که ما در اینجا به مصداق «السابقون السابقون اولئك المقربون» از کسانی که قبل از پیروزی انقلاب کوشش کردند در این راه یادی بکنیم. اما طبیعی بود که کتابهای تعلیمات دینی برای بعد از انقلاب نوشته نشده بود و خود این استادان شهید معتقد بودند که حالا فرصتی است برای دوباره نویسی همان کتابها گرچه خود آن کتابها يك کلاهی بود که بر سر طاغوت رفته بود و در سالهای نزدیک به انقلاب، ساواک متوجه شده بود که کتابهای درسی تعلیمات دینی دارد خطی به فکر جوانها می‌دهد و اقدام کرده بودند برای تغییر آنها که خوشبختانه ...

- کتابهایی که مرحوم باهنر و بهیستی خودشان تدوین کرده بودند؟

- بله. خود مرحوم باهنر قبل از پیروزی انقلاب، برای بنده تعریف می‌کردند که ساواک مأمورین و کارشناسانی فرستاده که اینها کتابهایی را که ما نوشته‌ایم بررسی می‌کنند و هرجائی که ما به جنبه‌های اجتماعی اسلام، مثل جهاد، امر به معروف، و نهی از منکر و ... برداشته‌ایم حذف می‌کنند. مثلاً نسخه‌ای از

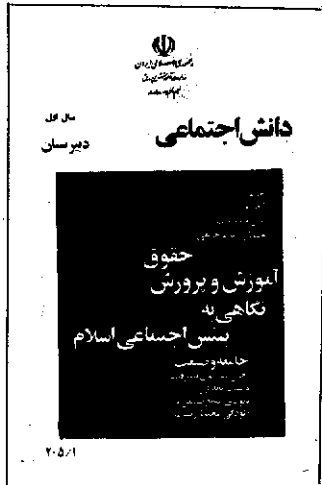
تصویری موجودیت خودش را مدیون و محتاج صاحب تصویر است، جهان هم اینطور است از نظر وجود، منتها وقتی که شما به آینه نگاه می‌کنید در خود تصویر آینه هزاران قاعده و ضابطه و رابطه دقیق علمی و ریاضی کشف می‌کنید، اما هیچکدام از این روابط و قواعدی که میان اجزاء تصویر کشف می‌کنید تصویر را از تصویر بودن خارج نمی‌کند. هیچکدام از این قوانین به معنای این نیست که این تصویر استقلال وجودی دارد. ما باید يك چنین بینشی را در کتابهای درسی به جوانهای خود عرضه کنیم که بدانند رابطه طبیعت با خدا چیست. اما مهمترین مسئله ما اسلامی کردن کتابهای علوم انسانی است. در علوم انسانی ما در درجه اول باید برویم سراغ کتابهای تعلیمات دینی. خوشبختانه از چندین سال قبل از انقلاب فعالیتی در این زمینه آغاز شده بود. برادران شهید ما، بهیستی و باهنر، همراه بعضی دیگر از دوستانشان توانسته بودند در دژ آموزش و پرورش رخنه‌ای و نفوذی بکنند و کتابهای تعلیمات دینی را تألیف کردند که جهت اسلامی صحیحی داشت، گرچه محدودیتها به آنها اجازه نمی‌داد همه آنچه را که باید، بگویند اما بدآموزی و غلط آموزی نداشت

مسائل اسلامی آشنا شده اند و در واقع از درو دیوار جامعه ما فرهنگ اسلامی می بارد. به همین دلیل، ما در کتابهای درسی نسبت به گذشته پیش تر رفته ایم و دست ما بازتر شده، برای اینکه مطالبی که در گذشته در کتابهای تعلیمات دینی خیلی سنگین به نظر می رسیده، الآن برای دانش آموزان عادی است. مثلاً شما شاید بدانید که در بسیاری از مدارس در سطح دبیرستان معلمان تعلیمات دینی کتابهای استاد مطهری را به دانش آموزان توصیه می کنند و آنها می خوانند و بعد کنفرانس می دهند. منظوم این است که الآن سطح فرهنگ اسلامی در مدارس ما خیلی بالا است و ما هم سعی کردیم که کتابها را متناسب با آن سطح بکنیم. بنده در اینجا وارد جزئیات کار نمی شوم و می شود به آن کتابها مراجعه کرد. بسیاری از مسائلی که تصور می شد در دانشگاه باید خوانده شود ما آورده ایم در سطح دبیرستان و سطوح پایین تر و دانش آموزان خیلی راحت آنها را می خوانند و می فهمند. اما اسلامی کردن کتابها در علوم انسانی منحصر به همین کتابهای تعلیمات دینی نیست. بینشی که بر کار تألیف کتابهای درسی حاکم است، این است که همه چیز باید اسلامی باشد، بر خلاف گذشته که دو ساعت درس تعلیمات دینی بود و در آن ساعتها کمابیش صحبتی از دین بود. بعد در کلاسهای دیگر، در کلاس تاریخ، جامعه شناسی، اقتصاد، روانشناسی و این گونه دروس دیگر صحبت از اسلام نبود. ما معتقدیم که باید دانش اجتماعی ما، جامعه شناسی ما، اقتصاد ما، تاریخ ما همه اینها باید اسلامی باشد. چون اسلام يك كل است که هیچ چیزی از دایره آن کل بیرون نیست. پس معنی ندارد که



مثلاً ما در سایر دروسهای علوم انسانی تئوریهای غربی را اصل قرار دهیم و فقط در تعلیمات دینی از اسلام صحبت بکنیم. این يك اصل است در کار کتاب نویسی کتابهای درسی. و اینجاست که من باید عرض بکنم بیشترین تغییر به تبع این اصل در کتابهای علوم اجتماعی و دانش اجتماعی و جامعه شناسی ایجاد شده. تقریباً باید بگوییم که ۹۰ درصد از کتابهای اجتماعی تغییر بنیادی پیدا کرده و چون بیشترین راه رخنه و نفوذ اندیشه های غربی و الحادی در ذهن جوانهای ما از طریق کتابهای تعلیمات اجتماعی و جامعه شناسی و دانش اجتماعی بوده و اصلاً در این کتابها به گونه ای با مسائل برخورد می شده که گویی خدایی وجود ندارد، وحی و معنویتی وجود ندارد و هر چه هست همین دنیای مادی و تفکر انسان مداری خود بنیادانه است و ما سعی کردیم که این نظام را واژگون بکنیم و کوشش کردیم تا به سرچشمه های اندیشه اسلامی دست پیدا کنیم و آنها را مطرح کنیم. ما هدفمان این است که نسل جوان ما با خصوصیات «انسان کامل» در تفکر اسلامی آشنا شود، برخلاف گذشته که انسان ایده آل انسان غربی بوده. حالا

انسان اسلامی را باید معرفی بکنیم و جامعه ایده آل را، که چه جامعه ای، جامعه سعادت مند است، آیا جامعه مصرفی، جامعه مادی، جامعه پر قدرت، جامعه جهانگشا و جهانخوار، این جامعه ها ایده آل است یا جامعه اسلامی. سعی مان این است که این الگوها را تغییر بدیم و امیدمان این است که این نسل نوجوان ما که سازنده فردای ماست با چهره عزیز و دوست داشتنی و حقیقی اسلام قرآنی آشنا شود و بدآموزیها و بدبینیهای که در گذشته در اثر دوری از اسلام وجود داشت برطرف شود. همانطور که امام فرمودند که اسلام را طوری معرفی کرده بودند که تصور می شد اصلاً اسلام در مسائل اجتماعی حرفی ندارد، مطلبی ندارد، ما باید این تصور را برای نسل آینده عوض بکنیم. اما آن سؤالی که جنابعالی کردید که آیا در رژیم گذشته سعی در اسلام زدایی از کتابهای درسی دبستانی و دبیرستانی بطور منظم و حساب شده انجام گرفته بود؟ باید عرض کنم هم سعی در اسلام زدایی بود و هم سعی در تزریق اندیشه های الحادی. بطور کلی ما می دانیم که در رژیم گذشته بنای سیاست فرهنگی بر این بود که اسلام را حذف کند و فرهنگ شاهنشاهی را جانشین اسلام کند. این حقیقت بر همه کسانی که به سیر تحولات فرهنگی توجه داشتند آشکار است. مثالی بارزتر از تغییر تاریخ نیست که وقتی تاریخ را از تاریخ هجری اسلامی به تاریخ شاهنشاهی مبدل کردند، معلوم است که با بقیه معارف ما چه می کنند. در کتابهای درسی فرهنگ شاهنشاهی سلطه داشت. مثلاً کتابهای تاریخ را چنان نوشته بودند که گویی رگ حیات این ملت و روح این ملت در گذشته فقط شاهنشاهی بوده و رشته ای



مصرف می کند. هنگامی که يك قطره آب بپهوده به زمین بریزد، يك لقمه نان به دور انداخته شود، چراغی بی سبب روشن بماند و یا درختی شکسته شود، اسراف شده است.» ما این را بعنوان یکی از رفتارهای اجتماعی اسلامی که مسلمان موظف است که به آن عمل بکند و دقیقاً برگرفته از ارزشهای اسلامی است در کتاب تعلیمات اجتماعی آورده ایم. بعد در دوره راهنمایی، در کتاب تعلیمات اجتماعی اول راهنمایی صفحه ۱۵ در همین زمینه آمده است: «انسانی که به خدا معتقد است به مردم عشق می ورزد و خلق جهان را نهال باغ خداوند می داند. نهالی که نباید شکسته و نباید کنده شود. انسان دین دار به طبیعت نیز عشق می ورزد چرا که طبیعت را و همه عالم را از خدا می داند. چنین انسانی در مصرف اسراف نمی کند. زیرا اسراف را ظلم به طبیعت می داند. خدایی که مالک طبیعت است اجازه نداده است که حتی يك قطره آب بپهوده در رود و یا يك چراغ بی سبب روشن بماند.» در سال اول دبیرستان ما در همین زمینه اصلاً يك مقاله مفصل داریم تحت عنوان «نابودی منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست» که من بهتر می دانم يك قسمتی از این مقاله را بخوانم. اینجا ما در يك سطح گسترده تری مطلب را مطرح کردیم. «انقلاب اسلامی

صورت حساب شده و منظم اعمال می کردند.

- یعنی در واقع رژیم سابق و ماتریالیست ها دست به دست هم داده بودند برای برطرف کردن آثار اسلامی و تفکر اسلامی از کتابهای درسی البته هر کدامشان برای يك مقصدی...

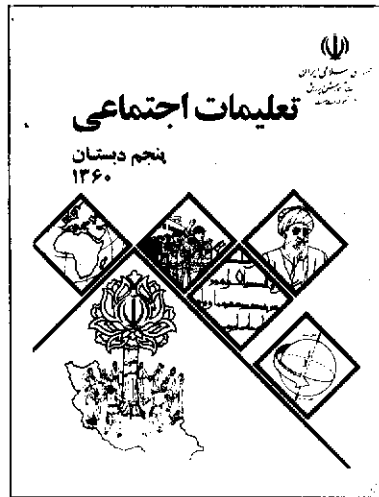
- بله. همان طور که در حال حاضر هم دست به دست هم داده اند. الان هم در پاریس همه سلطنت طلبها و آن کسانی که اعتقاد ماتریالیستی زیربنای فکریشان را تشکیل می دهد باز برای مبارزه با حکومت اسلامی دست به دست هم داده اند. در گذشته هم همینطور بوده و در کتابهای درسی هم این همزیستی مسالمت آمیز وجود داشته است.

- در مورد تغییر ارزشها در کتابهای درسی هم اقدام شده؟ مثلاً شما يك چیزی را اشاره کردید راجع به پول و بیل برای مثالی که می خواستند بزنید برای حرف ل. اصولاً شما برای نکوهش مصرفی شدن فرد در جامعه و نکوهش شهرگرایی و نکوهش ارج نهادن به ارزشهای غربی و غیره آیا اقدامی هم بطور منظم و حساب شده کرده اید؟

- بنده بهتر می دانم در پاسخ به این سؤال شما مستقیماً قطعاتی را از کتابهای درسی جدید، کتابهایی که در سال ۱۳۶۰ در اختیار دانش آموزان قرار گرفته، بخوانم. مثلاً در نکوهش مصرفی شدن، من سه بخش را از سه مقطع تحصیلی برای شما می خوانم، از دبستان، راهنمایی و دبیرستان، که ما يك مفهوم را در سه مرحله بیان کرده ایم.

در کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی در بخش تعلیمات مدنی صفحه ۲۱۵ آمده است: «مسلمان هرگز اسراف نمی کند، یعنی از هر چیز فقط به اندازه لازم

که این ملت را پیوند می داده و زنده نگه می داشته، همین شاهانی بودند که یکی پس از دیگری می آمدند. وقتی ما مطابق کتابهای طاغوت می خواستیم از تاریخ گذشته تصویری پیدا بکنیم غیر از شاهان تصور دیگری نداشتیم. گذشته ما فقط رفتن يك شاه و آمدن شاه دیگر بود. خوب این يك نمونه بارز بود. اما فرهنگ دنیاپرستی و فرهنگ مصرفی نیز در کتابهای درسی طبعاً بچشم می خورد. مثلاً در کتاب درسی اول ابتدایی اگر کلمه «ل» را می خواستند به دانش آموز بفهمانند، از کلمه پول و لباس استفاده می کردند که مثلاً فلان کس پول داشت و رفت بازار و لباس خرید. اما نمی آمدند مثلاً از کلمه بیل استفاده بکنند که دانش آموز را با واقعیت کار، رنج، روستا و کشاورزی آشنا بکنند. اما می آمدند از فرهنگ مصرفی شهری استفاده می کردند. نکته دیگری که باید عرض بکنم این بود که در دوران طاغوت ماتریالیسم در کتابهای درسی ما کاملاً نفوذ داشت و طاغوت با ماتریالیستها در ماتریالیسمشان اختلافی نداشت. آنها هم با تسلیم در برابر طاغوت به قصد مبارزه با اسلام و با فرهنگ اسلامی مردم، نفوذ کرده بودند در کتابهای درسی. بسیاری از کتابهای درسی حتی در سطح ابتدایی وجود داشت که اندیشه ماتریالیستی به وضوح و به وسعت در آنها به چشم می خورد و مؤلفین آنها هم معلوم هستند و کاملاً مشخص است که اینها برای بسط تفکر مادی الحادی برنامه ریزی کرده بودند، منتها از شاه هم تعریف می کردند و یا کاری نداشتند به جنبه های سیاسی اما از نظر فکری دقیقاً تفکر مادی را، مادی غربی و شرقی هر دو را، در کتابهای درسی ما به



آسمان الهی فقط در فضای تنگ دنیا پرواز کند، با دیوار ستبر طبیعت تصادم می‌کند و در نتیجه هم خود را نابود می‌کند و هم دیوار را فرو می‌ریزد. انسان مسلمان سعادت را در خداگونه شدن و رسیدن به الله می‌داند. نه در خور و خواب هر چه افزون تر و خشم و شهوت هر چه بیشتر. پیداست که این انسان دیگر بیرحمانه به جان طبیعت نمی‌افتد بلکه از طبیعت به اندازه نیاز خود مصرف می‌کند. چنین انسانی ب فکر قدرت طلبی و تصرف سرزمینهای دیگران نیست و در نتیجه طبیعت را صرف ایجاد سلاحهای بی حد و حصر جنگی نمی‌کند. اما اشاره‌ای هم به جنبه دوم باید کرد. انسان مسلمان خود را دشمن طبیعت و طبیعت را دشمن خود نمی‌داند، بلکه خود و طبیعت را آفرینندهٔ افریدگاری حکیم و مهربان می‌داند. انسان مسلمان طبیعت را آیه و نشانهٔ خدا محسوب می‌کند. او به هر چیز که می‌نگرد در آن نشانی از الله می‌بیند. گویی همه هستی به خدا اشاره می‌کند. همه موجودات نشانهٔ او هستند و نشانی او را می‌دهند. چگونه ممکن است چنین انسانی با طبیعت دشمن شود و کمر به نابودی طبیعت بندد؟ او نسبت به طبیعت در برابر خداوند احساس مسئولیت می‌کند زیرا خدا را مالک هستی و در نتیجه مالک طبیعت می‌داند. طبیعت بی‌صاحب نیست، تک درختی که بر سر کوهی روئیده و بوته گلی که در شکاف صخره‌ای شکفته است و آبی که قطره‌قطره از چشمه‌ای می‌چکد، حتی اگر بر حسب قراردادهای اجتماعی صاحبی نداشته باشد، در جهان بینی اسلامی بی‌صاحب نیست. صاحب آن خداست و انسان در برابر خدا نسبت به حفظ آن مسئول است. مسلمانی که بارها در قرآن خوانده است «و لله ملك السموات والارض... فرمانروائی و مالکیت آسمانها و زمین از آن خداست» چگونه ممکن است در برابر ذره ذره طبیعت،

ایران اسلام را به ما و ما را به اسلام باز گرداند. جهان بینی اسلامی نه تنها ما را برای مبارزه با مستکبران داخلی و مستکبران خارجی مجهز می‌سازد بلکه می‌تواند جامعه بشری را چنان بسازد که از بروز فاجعه‌هایی که به نابودی بشریت منتهی خواهد شد جلوگیری کند. تاثیر بینش اسلامی در مسئله محیط زیست و نابودی ذخائر طبیعت از دو جنبه است:

۱- ایجاد تغییر بنیادی در معنی انسان و سعادت او.

۲- ایجاد تغییر بنیادی در نگرش انسان نسبت به طبیعت.

اکنون به توضیح جنبه اول می‌پردازیم. حقیقت این است که مادام که انسان خود را فقط و فقط یک موجود مادی بداند و سعادت خود را در رفاه مطلق و بی‌پایان مادی فرض کند هیچ راهی برای جلوگیری از فاجعه‌ای که مورد بحث ماست وجود نخواهد داشت. خواست بشر بی‌پایان است و ذخائر طبیعت محدود و بدیهی است که این ذخائر هر قدر هم که زیاد باشد روزی به پایان خواهد رسید. جهان بینی اسلامی خواست بی‌پایان بشر را به افقی دورتر و به عالمی برتر از عالم طبیعت و ماده می‌برد. در این جهان بینی در پاسخ این خواست بی‌پایان یک هستی بی‌پایان قرار دارد و آن خداست. انسان مسلمان، سعادت خود را در مصرف نامتناهی نمی‌داند، زیرا او، معبود و مطلوب نامتناهی و حقیقی خود را که خداست، پیدا کرده است. برای او عالم ماده و زندگی دنیوی، آخرین و بالاترین آرزو نیست، تا همه اشتهای سیزی ناپذیر خود را برای بلعیدن آن صرف کند. پرنده همت و ارادهٔ انسان فقط به مقصد بی‌نهایت بال می‌زند. این پرنده وقتی می‌تواند پرواز کند که افقی بیکران در مقابلش گشوده باشد و خدا همان افق بی‌منتهاست. اما دنیا منتهای است و اگر این پرنده به جای پرواز در

خود را مسئول ندانند؟ مسلمان برای حفظ طبیعت، پیش از آنکه از مقررات و قوانین دولتی دستور بگیرد از مکتب خود الهام می‌گیرد. برای او محیط زیست پیش از آنکه محیط زیست او باشد ملک خداست و او باید از آنچه به خدا تعلق دارد محافظت کند.» بعد آوردیم که «در اقتصاد اسلامی مالک اصلی و حقیقی هستی خداست، همه چیز قبل از آنکه به کسی تعلق داشته باشد، به خدا متعلق است. پس هیچ چیزی بی حساب نیست و چون همه چیز در هستی صاحب دارد و صاحب آن خداست، انسان نمی‌تواند برای خویش با طبیعت بازی نماید و آن را در راه هوی و هوس خود مصرف کند. پیامبر و پیشوایان اسلام نیز همواره مسلمانان را به نگهداری از طبیعت امر کرده‌اند. یکی از ارزشهای اجتماعی اسلامی پرهیز از اسراف و تبذیر است. زیاده روی در مصرف و ریخت و پاش در اسلام حرام است و تبذیر کنندگان در شمار شیاطین آمده‌اند.»

این به عنوان نمونه که مثلاً ببینید ما عملاً چه طور در نکوهش مصرفی شدن مطالبی آورده‌ایم. اجازه دهید بندی بخوانم در نکوهش شهرگرایی.

- بله. مسئله مصرفی شدن و همچنین مسئله محیط زیست به هر حال موضوع فوق العاده مهمی است در جهان.

- در کتابهای گذشته وقتی تصویر ده را می‌کشیدند به اندازه‌ای نکبت بار بود و تصویر شهر را که می‌کشیدند به اندازه‌ای زیبا و دل‌فریب بود که خود این کتاب درسی برای دانش‌آموز ابتدایی اصلاً یک انگیزه‌ای بود که او هوس آمدن به شهر بکند. هیچ وقت چهره کیف و واقعی شهر را به دانش‌آموز نشان نمی‌دادند. ما در کتابهای درسی از همان ابتدا برای سال چهارم ابتدایی عباراتی به این صورت

داریم. مطلبی که می‌خوانم از صفحه ۱۴۹ کتاب تعلیمات اجتماعی سال چهارم دبستان است.

«پیش از انقلاب بیشتر روستاهای ایران از وسایل و امکانات ساده زندگی محروم بودند، در بسیاری از روستاها جاده، و مدرسه و درمانگاه وجود نداشت و درآمد روستائیان نیز کم بود و به همین سبب مردم از روستاها به شهرها مهاجرت می‌کردند. بسیاری از مشکلات امروز جامعه مادر اثر بزرگ شدن بیش از اندازه شهرها و خالی شدن روستاهاست. در اثر مهاجرت روستائیان به شهر تولید کشاورزی کم و جمعیت شهرها زیاد می‌شود و زندگی در شهر دشوار می‌گردد. هرچه شهرها بزرگتر شود فاصله خانه تا محل کار بیشتر می‌شود و مردم از اتومبیل بیشتر استفاده می‌کنند. در یک جامعه سالم کوشش می‌شود تا روستاها آباد باشد و روستائیان از کشاورزی و دامداری و صنایع دستی روی برنگردانند و به شهرها هجوم نیآورند.»

در مورد نکوهش ارج نهادن به ارزشهای غربی که شما اشاره کردید باز من لازم می‌دانم که از صفحه ۴ کتاب دانش اجتماعی سال چهارم دبیرستان، رشته اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب، مطلبی را بخوانم - در مورد برخورد ما با ارزشهای غربی که مثلاً دین در غرب چه معنایی را دارد و در نظر ما چه معنایی باید داشته باشد.

«معمولاً در فرهنگ غربی، مخصوصاً در کتابهای جامعه‌شناسی رایج در غرب، دین را به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی معرفی می‌کنند. می‌گویند در جامعه نهادهای گوناگونی از قبیل آموزش و پرورش، حکومت، و خانواده وجود دارد؛ یکی از این نهادها هم دین است. پس، دین یک نهاد اجتماعی است، یعنی نتیجه اجتماعی» زندگی کردن بشر می‌باشد. به

این ترتیب اصولاً از ابتدا دین امری جدا از سایر امور و سایر نهادها مطرح می‌شود همانطور که مثلاً آموزش و پرورش جدا از نهاد خانواده مطرح می‌گردد. پیداست که با این نحوه نگرش به بحث، آنچه اصل است جدایی دین از سیاست می‌باشد و آنچه محتاج اثبات و تحقیق است رابطه این دو است.

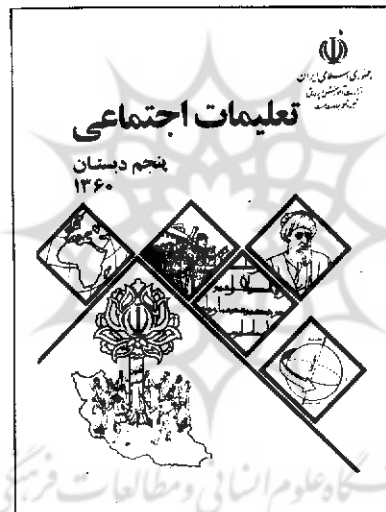
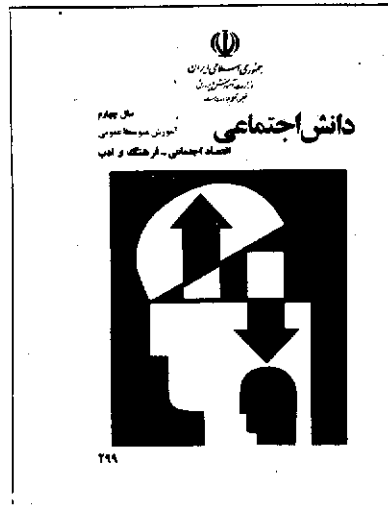
در جامعه غربی، دین نهادی است در کنار سایر نهادهای اجتماعی و بنابراین ممکن است با بعضی از نهادها رابطه داشته و با برخی نیز نداشته باشد. برای آنکه مقصود خود را دقیق‌تر بیان کنیم مثالی می‌زنیم: ورزش یکی از نهادهای اجتماعی است، بسیاری از افراد به ورزش علاقه دارند و از آن لذت می‌برند، برخی نیز علاقه‌ای به ورزش ندارند اما آنها که علاقه‌مندند بعضی اوقات در روز و هفته به اماکن ورزشی مراجعه و ورزش می‌کنند. اما نهاد ورزش در جامعه از سایر نهادها جداست ممکن است یک نماینده پارلمان علاقه وافری به ورزش داشته باشد، در حالیکه نماینده دیگری ممکن است اصلاً تمایلی به مسائل ورزشی نداشته باشد. این دو وقتی برای قانون‌گذاری به مجلس می‌روند، آنکه ورزش می‌کند هیچوقت مسائل ورزشی را در قانون‌گذاری دخالت نمی‌دهد؛ زیرا ورزش امری است که در زمان معین و در مکانهای معینی مورد علاقه عده‌ای از مردم است؛ اما به سایر فعالیتها سرایتی ندارد.

نگرش ما با دین با نگرش غربی تفاوتی بنیادی دارد ما هرگز دین را یک نهاد اجتماعی در کنار سایر نهادها نمی‌دانیم. ما دین را جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان می‌دانیم. این نحوه نگرش انسان به هستی است، معنایی است که او برای طبیعت انسان، جامعه و تاریخ قائل است. دین معنی سعادت را به انسان متدین می‌فهماند و راه

من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است. قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. توجه کنیم که ابتدا نماز و عبادت مطرح است ولی بلافاصله این تذکر داده می شود که برای خدا بودن فقط در نماز و عبادت منحصر نیست بلکه برای انسان دین دار اصولاً زیستن و مردن هم برای خداست. یعنی همه شئون زندگی او چه فردی و چه اجتماعی و خلاصه هر آنچه در ظرف زیستن و مردن جلی می گیرد همه اینها برای خداست.»

این هم يك نمونه ای از اینکه سعی شده با اندیشه های غربی برخورد اصولی بشود... - مسئله دیگری که اهمیت هم دارد این است که همانطور که می دانید پیروان ادیان اهل کتاب و مظاهر دیگر در جمهوری اسلامی از آزادی دینی و مذهبی به حکم قانون اساسی برخوردارند و از طرف دیگر اکثریت مردم ایران شیعه اثنی عشری هستند شما در تدوین کتابهای درسی و تغییر آنها با توجه به این مسئله با مشکلی روبرو بوده اید یا نه؟

- ما با مشکل لاینحلی روبرو نبودیم ولی با مسئله ای مواجه بوده ایم و خوشبختانه تا حدود زیادی هم در حل این مسئله توفیق پیدا شده. آنچه معیار است یعنی ضابطه برخورد ما را با این مسئله تعیین می کند قانون اساسی است. در قانون اساسی مذاهب دیگر اسلامی مورد احترام کامل می باشند و مطابق قانون اساسی پیروان آنها آزادند تا در مراسم مذهبی و نیز تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی مطابق احکام مذهب خود عمل کنند. این برای سایر مذاهب اسلامی که برادران اهل سنت ما هستند آمده، و برای ایرانیان معتقد به ادیان زرتشتی و کلمی و



رسیدن به سعادت را به او نشان می دهد. دین، مجموعه هستها و نیستها و بایدها و نبایدهایی است که يك انسان به آنها نیاز دارد به این ترتیب می بینیم که تصویری که ما از دین داریم با تصویری که در مغرب زمین از دین به دست داده می شود بسیار متفاوت است. برای روشن شدن مقصود می توان تمامی فعالیت های انسان، چه فعالیت های فردی و چه فعالیت های اجتماعی او را به قدمهایی تشبیه کرد که انسان در هنگام حرکت برمی دارد. آدمی درس می خواند، ازدواج می کند، کار اقتصادی انجام می دهد، در سیاست دخالت می کند، ما همه اینها را بعنوان حلقه هایی از زنجیر زندگی يك انسان و یا قدمهایی از حرکتی می دانیم که اسم آن حرکت در مجموع زندگی است. دین به معنای دقیق و اصیل آن به تنهایی هیچ يك از این حلقه ها و قدمها نیست. هیچ يك از مراحل این حرکت، به تنهایی دین نیست، بلکه دین جهت این حرکت است و همانگونه که جهت حرکت از خود حرکت جدا نمی شود، دین نیز از زندگی جداشدنی نیست. کسی که دین دارد همه مراحل زندگی خود را به نحوی انجام می دهد که رو به يك مقصد و منتهای معینی دارد. وقتی کار می کند، دین در کار کردن او حضور دارد؛ درس می خواند، اما دین در درس خواندن او حضور دارد؛ ازدواج می کند و تشکیل خانواده می دهد؛ آن هم کاری غیر دینی نیست بلکه عبادت است. حتی زمانی که به دیدار دوستان و آشنایان می رود کار دینی می کند. استراحت و خواب او هم می تواند يك کار دینی باشد. همانگونه که در يك حرکت هیچ قدمی از جهت کلی حرکت بیرون نیست، در زندگی يك انسان معتقد به دین نیز هیچ کاری نیست که نتواند کار دینی باشد، این معنا با مراجعه به قرآن بخوبی فهمیده می شود. خداوند به حضرت ابراهیم می گوید که به مردم بگو همانا نماز

مسیحی ... آمده که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند. براساس این دواصل کوششهایی صورت گرفته. در سال جاری ما موفق شدیم برای اهل سنت در سراسر ایران به توسط خود نویسندگان اهل سنت بخشهای خاصی را تألیف بکنیم که به صورت ضمیمه کتابهای عمومی و همگانی ما در مناطق سنی نشین توزیع شده. دانش‌آموزان اهل سنت می‌توانند آن ضمیمه‌ها را مطالعه بکنند که آن ضمیمه‌ها مطابق اعتقادات آنها نوشته شده، البته خوشبختانه در بسیاری از مسائل اشترک داریم و در آنجاها همه از يك كتاب استفاده می‌کنیم، در مسائل مربوط به احکام عملی و یا مسئله امامت و خلافت که نظرها متفاوت است دانش‌آموزان اهل سنت می‌توانند از کتابهای دیگری استفاده بکنند که آن کتابها هم در دسترس آنها هست.

- یعنی از طرف وزارت آموزش و پرورش در اختیار آنها قرار می‌گیرد؟

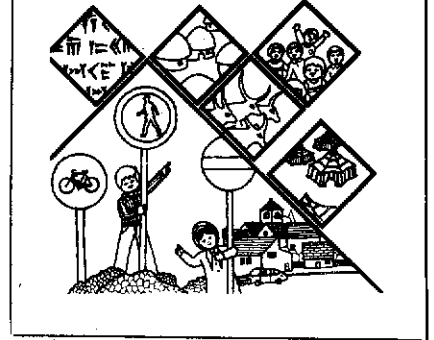
- تهیه آن کتابها با نظارت وزارت آموزش و پرورش بوده، ولی توسط نویسندگان و مؤلفین مناطق سنی نشین تألیف شده است. در مورد اهل کتاب هم متأسفانه در گذشته يك بی‌توجهی بوده نسبت به تعلیمات دینی، بسیاری از جوانان اهل کتاب اصلاً از تفکر دینی خبر نداشتند. ما معتقدیم که دانش‌آموزان اقلیتهای دینی هم، باید با معارف دین خودشان آشنا باشند. و به همین جهت مذاکراتی داشته‌ایم با نمایندگان اقلیتهای دینی و آنها هم استقبال کرده‌اند و گاهی بما گفته‌اند که ما خوشحالیم که جمهوری اسلامی بچه‌های ما را متدین‌تر کرده است!

اقدامی که در این زمینه صورت گرفته، این است که کتابهای مخصوصی برای خودشان تألیف کرده‌اند و در کلاسهای خودشان تدریس می‌کنند. برای وزارت آموزش و پرورش، اصل بر آن است که هیچ طفلی در ایران نباید در کارنامه در مقابل عنوان تعلیمات دینی نمره نداشته باشد. حالا به هر دینی تعلق داشته باشد باید در آن دین درس بخواند و در این زمینه کوششهایی شده و باز هم خواهد شد. مسئله‌ای که هست این است که ما اصولی را وضع کرده‌ایم که این اصول باید در این کار حاکم باشد. در مورد کتابهای اهل سنت اصلی که ما حاکم قرار دادیم این است که نه در کتابهای ما نسبت به مقدسات آنها باید توهین و تحقیر باشد و نه در کتابهای آنها نسبت به ما بلکه باید کوشش در جهت تفاهم و پرهیز از اختلاف باشد. این به این معنا نیست که ما در کتابهای اهل سنت خواسته‌ایم عقاید شیعه را تحمیل بکنیم و یا بالعکس بلکه سعی کرده‌ایم از اختلاف‌انگیزی که خواست دشمن بیگانه ماست جلوگیری بکنیم. خوشبختانه ما قبله واحد، کتاب واحد، قرآن واحد، خدای واحد، پیغمبر واحد داریم، و این زمینه همان برادری و وحدت است که در جامعه اسلامی باید میان مذاهب اسلامی وجود داشته باشد. ما کوشش کردیم که تحقیر و توهینی، خدای نخواسته صورت نگیرد. در مورد کتابهای اقلیتهای دینی هم ما ضوابطی داریم. مهمترین ضابطه ما این است که باید این کتابها جوری باشد که وحدت همه این مردمی که در ایران زندگی می‌کنند و تابع جمهوری اسلامی هستند حفظ شود. البته اقلیتهای دینی در ایران کمتر از يك درصد کل جمعیت ایران هستند

و ما بیشتر از چند ده هزار دانش‌آموز اقلیت دینی نداریم. با این حال ما سعی کردیم که حقوق آنها مطابق قانون اساسی رعایت شود. منتها از آنها خواستیم که اصل را وحدت مردمی که در ایران زندگی می‌کنند قرار بدهند و نباید طوری تکیه بر روی اختصاصات قومی و یا دینی بشود که دانش‌آموزان اقلیتهای دینی خودشان را جدای از مردم ایران و متعلق به يك سرزمین دیگر و جای دیگری بدانند مثلاً ما از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی اقلیت یهود تقاضا کرده‌ایم که مواظب باشند يك رگه‌هایی از زمینه‌های صهیونیسم در کتابهای آنها نباشد. جوری نباشد که يك گرایش مثلاً به بازگشت به اسرائیل و رفتن به فلسطین و آن ظلم و ستمی که در حال حاضر بنام دین یهود بر مردم مسلمان جنوب لبنان و فلسطینیان اعمال می‌شود، در آنها ایجاد بشود که در نتیجه خودشان را به دامن امپریالیسم بیندازند. اینها را سعی کردیم که در کتابها نباشد و مراقبت هم خواهیم کرد. ولی بطور کلی ما تفاهم داریم و در این زمینه کوششهایی شده و انشاء الله به نتیجه کامل تری هم می‌رسیم.

- يك نکته‌ای را شما اشاره کردید که به نظر ما خیلی مهم است و آن این که تبلیقاتی که غربیها از همان اوایل انقلاب می‌کردند و هنوز هم تا اندازه‌ای می‌کنند، این است که با اسلامی شدن حکومت ایران در واقع به اقلیتهای مذهبی ظلمی شده و می‌خواهند این طور وانمود کنند که رژیم شاه در واقع به اقلیتها و حقوق آنها بیشتر می‌رسید ولی این مطلبی که الان شما در مورد کتابهای فرسی به آن اشاره کردید که وزارت آموزش و پرورش اهتمام دارد که حتی یهودیان و زرتشتیان و مسیحیان هم اطفالشان متدین به دین خودشان باشند و آنچه که برای

تعلیمات اجتماعی

سوم دبستان
۱۳۶۰

وزارت آموزش و پرورش مطرح است این است که دین به هر حال در مدارس مطرح باشد، در جامعه مطرح باشد و اعتقاد به خدا و اعتقاد به آخرت اینها همه مطرح باشد به هر حال این نکته خیلی قابل تأمل و توجه است، و اما سوال آخری که می‌خواستیم بکنیم این است که برنامه وزارت آموزش و پرورش برای اصلاح و تغییر کتابهای درسی خاتمه یافته یا هنوز هم ادامه دارد.

- بهیچ وجه این کار به پایان نرسیده، از این جهت که کاری است بسیار عظیم و از پیروزی انقلاب ما هنوز زمانی نگذشته، ما معترفیم که در کتابهای درسی ما نارسائیه‌ها و نقائص متعددی وجود دارد. و این مثل کار بقیه نهادهای انقلابی يك کار دراز مدتی است که روز بروز به کمال خودش نزدیکتر می‌شود. و اما دلیل دیگر بر این که این کار يك کار مداوم است این است که انقلاب ما روز به روز عمق بیشتری پیدا می‌کند یعنی اینطور باید بگوییم که خود انقلابیون ما هم روز به روز انقلابی تر می‌شوند و هم اکنون در جامعه ما مسائلی مطرح است که ۳ سال پیش مطرح نبود. طبیعی است که ۳ سال دیگر با همین سیری که انقلاب دارد باز ما مسائل تازه‌ای پیدا خواهیم کرد و اشتباهی سیری ناپذیر این امت مسلمان هر روز آنها را به فتح قلمروهای تازه‌ای می‌کشاند و ارزشهای تازه‌ای مطرح می‌شود. طبعاً کتابهای درسی باید پا به پای این تحولات تغییر بکند و ملت ما روز به روز جرأت حمله بیشتری را به اردوگاههای سیاسی و اقتصادی و فکری و فرهنگی شرك و کفر پیدا کند و هر چه این جرأت بیشتر شود کتابهای درسی هم باید منعکس کننده آن تحول باشند البته

روز به روز هم برادرانی که در این قسمت کار می‌کنند با مطالعه بیشتر و تجربه بیشتر و آگاهی از نیازهای جدید و امکانات و محدودیتها به نتایج تازه‌ای دست پیدا می‌کنند که اعمال آن نتایج مستلزم تغییر کتابهای درسی است. بطور کلی تغییر کتابهای درسی يك امر مداوم است گرچه سرعت آن طبعاً کمتر خواهد شد و تحول سریعتر ظرف سه چهار سال آینده خواهد بود ولی در آینده باید مرتباً خودش را براسلام و انقلاب عرضه بکند و خود را با آن تطبیق دهد.

در اینجا من مایلم يك نکته را هم اضافه بکنم و آن یاد رئیس جمهور شهید، برادر عزیزمان رجایی است، که حق بزرگی به گردن این امت دارد. از جهتی که او از نخستین روز پیروزی انقلاب در سنگر آموزش و پرورش شروع به انجام وظیفه کرد و جهت آموزش و پرورش ما در حقیقت همان جهتی است که رجایی به آموزش و پرورش داده بود و اگر برادران ما اکنون در آموزش و پرورش در راهی قدم برمی‌دارند این همان راهی است که رجایی در نشان دادن جهت آن و در گشودن آن سهم بسیار زیادی داشته است و اینجا است که دوباره همان آیه نخست سخن را به یاد رجایی، بیاد باهنر، بیاد بهشتی و بیاد شهیدانی چون سید کاظم موسوی و علی اکبر سلیمی جهرمی و ایرج شهنساری و همه شهیدان انقلاب اسلامی می‌خوانم که ربنا اغفر لنا والاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انك رؤف رحیم.